



دیپلماسی امام خمینی در نوفل لوشاتو

دکتر ابراهیم یزدی از فعالان مذهبی و سیاسی ایران در قبل از انقلاب و نماینده امام خمینی در آمریکا برای اخذ وجوهات شرعی، همراه امام خمینی از عراق به پاریس بوده که خاطرات این دوره صد و هیجده روزه را به رشته تحریر درآورده و تحت عنوان شصت سال صبوری و شکوری در جلد سوم خاطرات به طور کامل به شرح وقایع این دوره پرداخته است.

از آنجا که دکتر ابراهیم یزدی اکثر اتفاق‌های مهم دوران اقامت امام خمینی در فرانسه و نوفل لوشاتو را در خاطرات خود ثبت نموده و ناظر بلافصل آن وقایع بوده، منبع اصلی این مقاله قرار می‌گیرد و مطالب از آن خاطرات نسخه‌برداری می‌شود.

نکته مهم این که گفت و گوها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی در فرانسه به طور کامل در نشریات و رسانه‌های ایران درج شده و مورد استفاده مخاطبان قرار گرفته است اما ملاقات‌ها و مذاکرات

در خرداد ماه سال گذشته و در سرمقاله این ماه به سفر امام خمینی از عراق به فرانسه اشاره کردیم و آثار آن را در پیشبرد نهضت و جهانی شدن آن برشمردیم. در این زمینه در آنجا به مطلب ذیل اشاره می‌شود.

سفر صد و هیجده روزه امام خمینی از عراق به فرانسه و استقرار در دهکده نوفل لوشاتو از ۱۴ مهر ماه تا ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ انقلاب ایران را از یک پدیده محلی و ملی به یک واقعه مهم بین‌المللی تبدیل کرد و ایران را تبدیل به کانون توجهات جهانی نمود.

تا قبل از این سفر امکانات امام خمینی برای رهبری نهضت اسلامی در ایران محدود و در حد ارتباط نواری و اعلامیه‌ای بین عراق و ایران بود که چندان پوشش جهانی نداشت اما با هجرت اجباری ایشان به فرانسه و استفاده از جو رسانه‌ای آزاد در این کشور، نهضت ایران جهانی شد و جنبه بین‌المللی پیدا کرد.

در ادامه سرمقاله فوق چنین می‌خوانیم:

پرزیدنت کارتر در پیغام خود خواسته است که آیت‌الله تمام نیروی خود را برای جلوگیری از مخالفت با بختیار به کار برد. حملات به بختیار خطرات بسیار زیادی دارد و قماری است که به تلفات زیادی منجر خواهد شد. به نظر پرزیدنت کارتر، احتراز از هرگونه انفجاری در ایران به نفع همه خواهد بود. خروج شاه قطعی است و در آینده نزدیکی رخ خواهد داد. به نظر کارتر مناسب خواهد بود وضعیت را تماماً زیر کنترل خود بگیرید تا سکوت و آرامش باشد. آن چه لازم است بگویم این است که بدانید خطر ارتش دخالت ارتش و کودتای نظامی هست و وقوع این خطر، اوضاع را بدتر خواهد نمود، آیا بهتر نخواهد بود که یک دوره سکوت و آرامش به وجود آید؟»
نماینده ژیکاردستن سپس گفت:

«پرزیدنت کارتر آرزو دارد که این پیغام کاملاً مخفی و محرمانه بماند. یک وسیله ارتباطی مستقیم با آیت‌الله باید امکان‌پذیر باشد تا مرتب در جریان حوادث گذاشته شوید و این به نفع کشور شما و خصوصاً آیت‌الله می‌باشد.»

پس از ختم سخنان نماینده ژیکاردستن امام خمینی چنین پاسخ دادند:

«پیام آقای کارتر دو جهت در آن بود. یکی راجع به موافقت کردن با حکومت فعلی که دولت بختیار باشد، یا حداقل سکوت در این موقعیت و حفظ آرامش در این مدت و یکی هم راجع به احتمال کودتای نظامی و یا پیش‌بینی کودتای نظامی، پیش‌بینی کشتار وسیع مردم که ما را از آن می‌ترسانید. اما راجع به دولت بختیار، شما سفارش می‌کنید که ما برخلاف قوانین خود عمل کنیم. بر فرض آن که من چنین خطایی بکنم، ملت ما حاضر نخواهد بود. ملت ما که این همه مصیبت کشید و این همه خون داد برای آن است که از زیر بار رژیم سلطنتی و سلسله پهلوی خارج بشود. ملت حاضر نیست که تمام خون‌ها هدر برود و شاه به سلطنت باقی باشد یا برود و بدتر از اول برگردد و نه حاضر است که شورای

دیپلماتیک امام خمینی در پاریس با مقامات فرانسوی و آمریکایی و سایر دولت‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی کمتر مورد توجه قرار گرفته که در این نوشتار با استفاده از همین خاطرات به آن‌ها پرداخته می‌شود. این بخش از این نظر مهم است که بسیار مستند و قابل اتکا است، زیرا دکتر یزدی در این ملاقات‌ها یا مترجم امام بوده و یا تهیه‌کننده صورت‌جلسه ملاقات‌ها. بنابراین، از نظر تاریخی بسیار مستند، مهم و قابل اعتماد است. در سرمقاله سال گذشته با توجه به محدودیت میزان سرمقاله به ملاقات‌های امام خمینی و مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم ایشان با مقامات فرانسوی اشاره کردیم و وعده دادیم که در فرصتی دیگر به سایر گفت و گوهایی دیپلماتیک ایشان بپردازیم.

خداوند متعال را سپاس گزاریم که اکنون چنین فرصتی دست داده تا به‌طور نسبتاً مشروح به این مهم بپردازیم.

همان گونه که قبلاً مطرح شد مذاکرات آمریکا با امام خمینی با واسطه‌های گوناگون انجام می‌گرفت که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

■ پیام کارتر به امام خمینی

در هشتم ژانویه ۷۹ برابر ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷ دو نفر از جانب رئیس‌جمهور فرانسه، ژیکاردستن به دیدار آیت‌الله خمینی در نوفل‌لوشاتو آمدند. این اولین باری بود که نمایندگان رسمی شخص رئیس‌جمهور به دیدار امام خمینی می‌آمدند و روشن بود که باید مسأله مهمی مطرح باشد. در این ملاقات، بعد از رد و بدل شدن تعارفات معمولی، یکی از آن‌ها شروع به صحبت کرد و گفت:

«هدف از دیدار با آیت‌الله خمینی پیغامی است که برای آیت‌الله دارند. این پیغام از طرف پرزیدنت کارتر برای آیت‌الله خمینی می‌باشد. او تلفن زده است و از پرزیدنت ژیکاردستن درخواست نموده است که این پیغام را به شما برسانیم.

و خوف آن دارم که اگر کودتای نظامی بشود، انفجاری بشود در ایران که کسی نتواند جلوی آن را بگیرد. ملت ایران از کودتای نظامی نمی‌ترسد، برای آن که ماه‌ها است که با قدرت نظامی هر چه سخت‌تر با مردم مقابله شده است و نتوانسته‌اند آرامش برقرار سازند و الان نظام و ارتش از چند ماه قبل سست و ضعیف‌تر است برای آن که در باطن ارتش اختلاف ایجاد شده است و بسیاری به ما می‌پیوندند و کودتا را خفه می‌کنند. من به شما توصیه می‌کنم از کودتا جلوگیری کنید که اگر بشود ملت ایران از شما می‌دانند و برای شما ضرر دارد. این تمام پیغام من است به کارتر.

سپس امام خمینی سخنان خود را خطاب به دولت فرانسه معطوف داشتند و گفتند:

«و اما به دولت فرانسه، از رئیس‌جمهور که در این کنفرانس (گوادلوپ) از تأیید کارتر از شاه مناقشه کرده است تشکر می‌کنم و میل دارم که کارتر را نصیحت کنند که دست از پشتیبانی این شاه و این رژیم و این دولت، که همه خلاف قوانین است بردارند و کودتای نظامی را تأیید نکنند و جلوگیری کنند، تا ایران آرامش خود را به دست بیاورد و چراغ اقتصاد به گردش درآید و در آن وقت است که می‌شود نفت را به غرب و هر کجا که مشتری هست صادر کند.»

در این ملاقات که در واقع، مذاکره از راه دور با کارتر رئیس‌جمهور آمریکا است امام خمینی با کیاست کامل تمام تهدیدات کارتر را پاسخ می‌دهند و به او می‌گویند راهی جز تسلیم در برابر خواسته ملت ایران ندارد. اما با تأکید به رفتن شاه، دولت بختیار و رژیم سلطنتی، تهدید کارتر مبنی به کودتای نظامی را با قدرت تمام رد می‌کنند و با طرح حکم جهاد مقدس کارتر را تهدید کرده و می‌گویند این کودتا به ضرر آمریکا است و مردم آمریکا را مسبب آن می‌دانند.

امام خمینی با طرح مسائلی از قبیل این که ایران به دست کمونیست‌ها نخواهد افتاد، دغدغه آمریکا را در این

سلطنت را قبول کند و آن هم خلاف قانون اساسی است که من مکرر تشریح کرده‌ام و اما قضیه این که آرامش باشد. ما همیشه می‌خواهیم مملکت آرام باشد و مردم با آرامش زندگی کنند. اما به دست آوردن آرامش با وجود شاه امکان ندارد و ما نمی‌توانیم با وجود شاه آرامش را برگردانیم. آقای کارتر اگر حسن نیت پیدا کرده‌اند و می‌خواهند آرامش باشد و خون‌ها ریخته نشوند خوب است که شاه را ببرند و دولت (بختیار) را هم پشتیبانی نکنند و به میل ملت که این امر مشروعی هست و خواسته است و از میل ملت جلوگیری نکنند.

و اما قضیه کودتا، الان از ایران به من اطلاع دادند که یک کودتای نظامی در شرف تکوین است و می‌خواهند کشتار زیادی بکنند و از من خواسته‌اند کالاهای آمریکایی را تحریم کنم و به آمریکا اخطار کنم که اگر چنین کودتایی بشود از چشم شما می‌بیند و اگر شما حسن نیت دارید باید جلوگیری کنید. برای من پیغام داده‌اند که اگر کودتای نظامی بشود، حکم جهاد مقدس باید داد. من کودتا را نه به صلاح ملت می‌دانم و نه به صلاح آمریکا. اگر کودتا بشود از چشم شما می‌دانم. نمی‌دانم ملت آمریکا بعدها چه خواهد کرد و من به حکم این که یک شخص روحانی هستم و مصلحت بشر را همیشه در نظر دارم و مصلحت ملت خودم را در نظر دارم، به شما توصیه می‌کنم که جلوی این خونریزی‌ها را بگیرید و نگذارید این خونریزی‌ها تحقق پیدا کند و ایران را به حال خود واگذارید که اگر بکنید نه گرایش کمونیستی خواهد داشت و نه سایر مکاتب انحرافی، نه تسلیم شرق و نه تسلیم غرب خواهد شد. تأکید می‌کنم که اگر بخواهید آرامش در ایران حاصل شود راهی جز این نیست که نظام شاهنشاهی که قانونی نیست کنار برود و ملت را به حال خود باقی بگذارند تا من یک شورای انقلابی تأسیس کنم از اشخاص پاکدامن برای نقل قدرت تا امکانات مناسب جهت حکومت مبعوث ملت انجام گیرد و در غیر این صورت امید آرامش نیست

ایران خیلی خوب آگاهی دارد که توده‌های‌ها دعوت به عملیات مسلحانه کرده‌اند و ارتشی‌ها ترس آن را دارند که یک عملیات حساب شده‌ای توسط توده‌های‌ها برای تحریک و درگیری بین ارتش و طرفداران آقا به‌وجود آید. نیروهای نظامی وقوع این امر را بعد از خروج شاه از ایران و در صورت بازگشت فوری و ناگهانی (آیت‌الله) خمینی احتمال می‌دهند. به هر حال، ژنرال‌هایزر مطمئن نیست که واکنش ارتش در صورت برگشت فوری و ناگهانی آقا به ایران چه خواهد بود. رهبران نظامی‌ها علایم و نشانه‌های جدی داده‌اند که در صورت برگشت ناگهانی آقا به تهران برای «محافظة قانون اساسی» ممکن است وارد عمل شوند. به این دلیل است که دولت من معتقد است، ضرورت اساسی دارد که نمایندگان صلاحیت‌دار آیت‌الله خمینی با رهبران نظامی ملاقات کنند که به یک تفاهم اساسی برسند. بنا به قضاوت دولت من، نظامی‌ها و مذهبی‌ها موضوعات مشابه زیادی دارند که نباید با تحریکات توده‌ای‌ها نادیده گرفته شوند و یا از بین بروند. علاوه بر این، نظامی‌ها آماده هستند که با نمایندگان صلاحیت‌دار آیت‌الله ملاقات کنند. این نظامیان عبارتند از: ژنرال قره‌باغی و فرماندهان نیروهای سه‌گانه. من به نمایندگی از جانب دولت من مایل هستم که تأکید کنم که این عمل بسیار اساسی بوده و ضرورتی فوری دارد. در این میان، دولت من امید و اصرار دارد که شما برنامه بازگشت به ایران را به تأخیر بیندازید تا زمانی که (مذاکرات تهران) به یک تفاهم برسد و امکان بازگشت توأم با نظم و آرامش (ORDERLY) آیت‌الله فراهم شود. سولیوان گزارش داده است که سعی و کوشش برای ترتیب ملاقات بین بهشتی و سران ارتشی نتیجه‌ای نداده است و از آیت‌الله خمینی درخواست می‌شود که این امر را توصیه کنند. دولت من هم‌چنین امیدوار است که آیت‌الله از هرگونه عملی که منجر به سقوط بختیار می‌شود، خودداری کنند. به نظر دولت من (بروز) چنین وضعیتی (یعنی سقوط

زمینه برطرف می‌کنند و با طرح فروش نفت به غرب و سایر کشورها نگرانی دیگر آمریکا و فرانسه مبنی به تحریم فروش نفت به غرب بعد از پیروزی انقلاب را بی‌پایه می‌خوانند.

بعد از انجام ملاقات فوق آمریکایی‌ها در پی این بودند که نماینده‌ای از جانب دولت آمریکا با نماینده‌ای از طرف امام خمینی در تماس باشند تا در شرایط حساس موجود با هم رایزنی کنند. این پیشنهاد که از طرف ساندرز معاون وزارت امور خارجه آمریکا مطرح می‌شود، از جانب دکتر یزدی به امام خمینی منتقل می‌گردد و ایشان ضمن قبول پیشنهاد دکتر یزدی را به‌عنوان نماینده خود معرفی می‌کنند.

در وقت معین از واشنگتن به دفتر امام در نوفل‌لوشاتو مجدداً تلفن می‌زند تا پاسخ پیشنهاد را بگیرند. در این مکالمه تلفنی موافقت امام خمینی با پیشنهاد آن‌ها به اطلاع آن‌ها می‌رسد و آمریکا شخصی را به نام وارن زیمرمن معرفی می‌کند که تماس خواهد گرفت.

در پی تماس تلفنی فوق اولین دیدار بین نماینده آمریکا و نماینده امام خمینی در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ مصادف با ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ برگزار می‌شود. دکتر یزدی مشروح این ملاقات را به شرح زیر مطرح می‌کند:

در این دیدار آقای زیمرمن ابتدا کارت هویت شخصی و تلکس مأموریتش را ارائه داد. سپس گفت که از جانب دولت آمریکا مأموریت دارد مطالبی را به اطلاع برساند. آن‌گاه از روی متن نوشته شده این چنین خواند:

«براساس اطلاعات و گزارش‌های سولیوان سفیر آمریکا در تهران، نظامیان ایران مسأله کودتا را به‌طور جدی بررسی کرده‌اند، ژنرال‌هایزر مطمئن است که او آن‌ها را از این امر منصرف کرده است. آن‌ها، نظامیان ایران، در این دوره ساکت و آرام خواهند بود، به شرطی که سربازان تحریک نشوند. به علاوه دولت من (آمریکا) معتقد است که بیانیه آیت‌الله دایر بر این که ارتش را محافظت کنند، خیلی خوب بوده است. ارتش

بختیار) ممکن است باعث شود که نظامیان عصبانی شده و برای در دست گرفتن قدرت سریعاً وارد عمل شوند.» این ملاقات در رستوران مسافرخانه نوفل لوشاتو انجام می‌شود.

دکتر ابراهیم یزدی گزارش این ملاقات را به امام خمینی می‌دهد و ایشان پس از مشورت و بررسی دقیق پیام دولت آمریکا پاسخی به شرح زیر ارائه می‌دهد و دکتر یزدی مطالب را یادداشت می‌کند و در ملاقات بعدی پاسخ را به رابط آمریکا ارائه می‌دهد.

متن پاسخ امام خمینی به پیام آمریکا به شرح زیر است:

«اول این که گفته‌اید که توده‌ای‌ها برای برخورد مسلحانه تحریک می‌کنند چه سند یا مدرکی دارید که ارایه بدهید؟ این تحریکات از جانب خود ارتش است. آن‌ها به دنبال بهانه هستند. هم‌چنین به نظر ما، یک ائتلاف اعلام نشده‌ای بین ارتش و کمونیست‌ها دیده می‌شود تا این بهانه به دست ارتش داده شود. هدف هماهنگ کمونیست‌ها و ارتش لطمه به اعتبار جنبش اسلامی است.

دوم این که روشن کنید که منظور از حرکت ارتش برای محافظت از قانون اساسی چیست؟ آیا حفظ سلطنت است یا حفظ ارتش برای آینده؟ آیا نگرانی آن‌ها و هدفشان حفظ سلطنت است یا حفظ ارتش، در صورت فرض دوم مسأله فرق می‌کند.

سوم این که آیا درست است که آمریکایی‌ها تمام وسایل را از بین می‌برند یا از کشور خارج می‌سازند؟» در این پاسخ امام مجدداً به خطر کودتای ارتش اشاره می‌کند و اقدامات کمونیست‌ها را زمینه‌ساز این کودتا می‌داند و باز هم به‌طور غیرمستقیم به آمریکا می‌گوید اگر چنین اتفاقی بیفتد ملت ایران آمریکا را مسؤول اصلی کودتا می‌شناسد.

در این پاسخ هم‌چنین امام خمینی به حفظ ارتش بعد از پیروزی انقلاب اشاره می‌کند و آن را برای امنیت

و حفظ و تمامیت ارضی کشور ضروری می‌داند. امام خمینی در این زمینه به آقای دکتر بهشتی در داخل ایران دستور می‌دهد تا با سران ارتش تماس بگیرند و آن‌ها را دلگرم کنند و اطمینان بدهند که حال ارتشی‌ها خیلی بهتر خواهد شد، اما قولی ندهند که عمل نشود. امام خمینی در پاسخ خود به دولت آمریکا هیچ‌گونه اشاره‌ای به زمان بازگشت خود به ایران نمی‌کند زیرا به اصرار شدید آمریکا مبنی بر تأخیر انداختن بازگشت برای امام مشکوک است و فکر می‌کند آن‌ها نقشه‌ای در سر دارند که حضور ایشان در ایران آن نقشه را با مشکل مواجه می‌کند. به همین دلیل امام ترجیح می‌دهد در پاسخ اصلاً به این نکته اشاره نکند.

نکته جالب در این زمینه این است که امام خمینی با بررسی کلیه جوانب و پیام دولت آمریکا و هم‌چنین پیام دولت بختیار که از طریق وزارت امور خارجه فرانسه مبنی بر درخواست تأخیر در بازگشت ایشان به ایران دریافت کردند، به این نتیجه رسیدند که هرچه زودتر برای جلوگیری از توطئه‌های احتمالی باید به ایران بازگردند. استراتژی امام در مورد ارتش نیز حفظ آن و جذب بدنه اصلی و پیوستن آن‌ها به انقلاب بود که در نهایت، به موفقیت رسید. استراتژی گل در برابر گلوله و شعار برادر ارتشی چرا برادر کشی باعث شد ارتش شاهنشاهی از سلطنت جدا شد و به انقلاب ملت ایران پیوست و زمینه سقوط رژیم سلطنتی را فراهم نمود.

در ادامه تبادل پیام‌ها چند پیام دیگر از جانب دولت آمریکا برای امام خمینی ارسال می‌شود که ایشان نیز پاسخ‌های لازم را ارائه می‌دهند.

امیدوارم در فرصتی دیگر متن پیام‌های فوق را مورد بررسی قرار داده و به دیگر فعالیت‌های دیپلماتیک امام خمینی در نوفل لوشاتو بپردازیم.

دکتر سید محمد صدر

